

آزادی مطبوعات و جمهوری اسلامی ! رحمت خوشکدامن

(در دفاع از آزادی مطبوعات)

کمتر کسی را می توان یافت که وعده های خمینی جلال را در روزهای به قدرت رسیدن حکومت جمهوری اسلامی از یاد برده باشد ، او گفته بود : " در حکومت اسلامی همه افراد آزاد در بیان هر گونه عقیده ای هستند . " حکومت اسلامی اساس کار خود را به بحث و مبارزه با هر نوع سانسور می گذارد . " مطبوعات در نشر همه حقایق و واقعیات آزادند . " در حکومت اسلامی رادیو و تلویزیون ، و مطبوعات مطلقاً آزاد خواهند بود و دولت حق نظارت بر آنها را نخواهد داشت . " ما آزادی به همه مسالک و عقاید می دهیم . " در جمهوری اسلامی کمونیستها هم در بیان عقیده خود آزاد خواهند بود . " در حکومت اسلامی رادیو ، تلویزیون ، و مطبوعات مطلقاً آزاد خواهند بود و دولت حق نظارت بر آنها را نخواهد داشت . " ما حکومتی را می خواهیم که برای اینکه یک دسته می گویند مرگ بر فلان کس ، آنها را نکشند . " دولت استبدادی را نمی توان حکومت اسلامی خواند ... رژیم اسلامی با استبداد جمع نمی شود . " حقوق بش این است که سرنوشت هر آدمی باید به دست خودش باشد . " باید اختیارات دست مردم باشد ، این یک مسئله عقلی است و هر عاقلی این مطلب را قبول دارد که مقدرات هر کسی باید دست خودش باشد . " این ارتشی ها فکر می کنند ما می خواهیم آنها را دار بزنیم " (خنده جمعیت)

او در آن روزها از وعده های سیاسی قدمی فراتر گذاشته و گفته بود : " این دارایی از غنائم اسلام است ، من امر کردم به مستضعفین بدهند و خواهند داد ... به این نغمه های باطل گوش ندهید ، آنها حرف می زنند ولی ما عمل می کنیم . ما یک مملکت محمدی ایجاد می کنیم . .. دلخوش به این مقدار نباشید که فقط مسکن میسازیم ، آب و برق را مجانی می کنیم ، اتوبوس را مجانی می کنیم . دلخوش به این مقدار نباشید ... " جامعه آینده ما جامعه آزاد خواهد بود . همه نهادهای فشار و اختناق و همچنین استثمار از میان خواهد رفت . "

اینها همه حرف های بود که او در آبانماه سال ۱۳۵۷ یعنی دو ماه ونیم قبل از قیام ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ (به توده های مردم) گفته بود . اما در همان روزهای اول به قدرت رسیدنش ، تمام وعده ها را به فراموشی می سپارد و در یک دست اسلحه و در دست دیگرش قرآن به قتل و عام دهها هزار انقلابی و سرکوب گسترده کارگران و زحمتکشانش ، که برای آزادی و سوسیالیسم و در یک کلام زندگی بهتر انقلاب کرده بودند ، اقدام می نماید . او با بی شرمی تمام می گوید : " آن های که به اسم دموکراسی ، با اسم دمکرات می خواهند مملکت را به فساد و تباهی بکشند ، این ها باید سرکوب شوند . ملت آن ها را سرکوب خواهد کرد . کاری نکنید که باب غضب باز شود . " اینهایی که زیر بنای همه چیز را اقتصاد می دانند ، اینها انسان را حیوان می دانند . حیوان هم همه چیزش فدای اقتصادش است . زیر بنای همه چیزش ، الاغ هم زیربنای همه چیزش اقتصادش است . " (قم ۱۷ شهریور ۱۳۵۸) " این جنایت کارها که در بازداشت هستند متهم نیستند ، بلکه جرمشان محرز است ؛ باید فقط هویت آنها را ثابت کرد و بعد آنها را کشت . اصلاً احتیاج به محاکمه آنها نیست . هیچگونه ترحمی در مورد آنها مورد ندارد . اگر ما اینها را نکشیم ، هر یکی شان که بیاید بیرون می رود آدم می کشد . با چند سال زندان کار درست نمی شود . این عواطف بچه گانه را کنار بگذارید . " (سخنرانی به مناسبت سالروز تولد رسول اسلام، ۹ تیر ۱۳۵۹) " آنکه مکتبی را مسخره می کند ، اسلام را مسخره می کند . اگر متعمد باشد ، مرتد فطری است . زنش برایش حرام است . مالش هم باید به ورثه داده شود . خودش هم باید مقتول شود . "

از همان روزهای اول کاملاً آشکار بود ، که جمهوری اسلامی نمی تواند ، اعتقادی به آزادی بیان و آزادی مطبوعات داشته باشد . البته آنها می گفتند : " ما با مطبوعات آزاد هیچ مخالفتی نداریم ، مشروط به آن که در جهت تحکیم پایه های جمهوری اسلامی نظر بدهند و بنویسند . " و بر این اعتقاد بودند و هستند که اگر خلاف آن باشد و انتقادی به جمهوری اسلامی بنمایند و یا اینکه جمهوری اسلامی را پذیرا نباشند ، به قول خمینی باید قلم آنها را شکست و زناشان را بر آنها حرام کرد و خودشان را به زندان انداخت و از آنجایی که در زندان نیز آدم نخواهند شد و وقتی که بیرون بیایند بدتر خواهند شد ، بنابراین راه دیگری جز اینکه آنها را تیرباران کنیم و یا اینکه به دار بیاویزیم وجود ندارد .

این موضعی بود که خمینی پس از رسیدن به قدرت سیاسی و برای خاموش گرداندن آزادی بیان و مطبوعات در روزهای اول پس از انقلاب در پیش می‌گیرد. او در همان روزهای انقلاب مخالفت خود را با آزادی بیان و مطبوعات اعلام می‌دارد و می‌گوید: "آزادی قلم و آزادی بیان معنایش این نیست که کسی بر ضد مصلحت کشور، قلمش آزاد است که بنویسد، برخلاف انقلابی که مردم خون پایش داده اند بنویسد... برای مطبوعاتی، احترام قائل هستیم که بفهمد آزادی بیان و آزادی قلم یعنی چه." او برای قانونی کردن آن (گرچه احتیاجی بدان نداشت) همین اعتقاد را در قانون اساسی کشورگنجانده و به تصویب مجلس ارتجاعی خود رساند. از اینروست که در اصل بیست و چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی می‌خوانیم: "نشریات و مطبوعات در بیان مطلب آزادند مگر آن که مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشد." یعنی آنها از مردم می‌خواهند که از چارچوب موازین اسلامی فراتر نروند، چنان بنویسند که حاکمان جمهوری اسلامی می‌خواهند. "آزادی مطبوعات آری، اما توطئه قلمی نه!" در غیر این صورت یا از طریق "دادستانهای دادگاه‌ها موظفند که بار دیگر به رسیدگی مطبوعات و نویسندگان آنها بپردازند و هر مطبوعات توطئه‌گر (بخوان مخالف جمهوری اسلامی) را در نطفه خفه کنند." و یا اینکه باید از طریق باندهای مخفی جمهوری اسلامی به کشتار و ترور آنها اقدام کرد. ما در سالهای حکومت سیاه جمهوری اسلامی بارها شاهد چنین قتل‌ها و ترورهای از جمله قتل‌های زنجیره‌ای بوده ایم.

بنابراین جمهوری اسلامی نیز همانند تمام دولت‌های دیکتاتوری به آزادی بیان و مطبوعات نمی‌تواند اعتقاد داشته باشد. آنها چنین چیز گرانبه‌ای را می‌خواهند در انحصار خود نگه دارند و نمی‌خواهند آنرا با دیگری قسمت کنند. و اگر هرازچندگاهی، چه جناح فاشیستی و چه جناح اصلاح طلب آن در وصف و حال آزادی بیان و آزادی مطبوعات سخن سرائی می‌کنند. تنها حفظ آن برای خودشان می‌باشد، نه برای دیگران. خصوصاً که اینروزها از زبان جناح اصلاح طلب آن (موسوی و کروبی) که در شرایط کنونی به صف مخالفین رانده شده، شعارهای درپیرامون آزادی بیان سر می‌دهد و خواهان آن می‌باشد، البته اینها پنهان نمی‌کنند و از خمینی جلاد برای دفاع از آزادی بیان و مطبوعات و عقب راندن جناح فاشیستی نقل و قول می‌آورند. و همانند خمینی خواهان آزادی بیان و مطبوعات می‌باشند. آنها خواهان آزادی مطبوعات و آزادی بیان در چارچوب بیانات و اظهارات خمینی پذیرا هستند، و ما در بالا دیدیم که فرمایشات او چه بوده است. از اینروست که آنها می‌گویند: "آزادی مطبوعات آری، اما نباید" مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشد. "و یا به عبارتی دیگر" آزادی بیان و نشر افکار با رعایت موازین اسلامی و مصالح کشور باید تامین گردد." (اصل ۱۷۵ قانون اساسی کشور)

البته جالب‌ترین موضوع این است که حتی احمدی نژاد این دلقک قرن بیست و یکمی نیز با پرویی تمام می‌گوید: "در کشور ما آزادی برای همه است و از همه کشورهای دنیا بیشتر است."

نتیجه آن که هر دو جناح حکومتی با آزادی مطبوعات برای خودشان مخالفتی ندارند، آنها با آزادی مطبوعات برای دیگران مخالفند و از دیگران می‌خواهند که در چارچوبی که خود وضع می‌کنند، بیندیشند و بنویسند. آنها با چارچوبهایی که طرف مقابل وضع می‌کنند، مخالفند و چنین فکر می‌کنند که چارچوب‌های که خود برای مطبوعات وضع کردند از جنس دیگری است و می‌تواند مفید باشد. حال آنکه این احمقان نمی‌دانند، چیزی که بد است بد می‌ماند و مهم نیست که چه کسی از این بدی پاسداری و نمایندگی می‌کند. وقتی که آزادی مطبوعات در یک جامعه برای مخالفان وجود ندارد، فرقی نمی‌کند که از جنس آریامهری باشد یا از جنس اسلامی. از جنس بورژوازی لیبرال باشد یا از جنس کمونیستی کارگرای! اگر حکومتی چنین بیندیشد، که تمام مردم یک کشور باید در چارچوبی که تعیین کرده بیندیشند و بنویسند، نمی‌داند و نمی‌تواند بفهمد، آزادی یعنی آزادی در عدم توافق. اگر این مهم در حرف و در عمل پذیرفته نشود، بالاچار دولت در قدرت به زور و دیکتاتوری متوسل خواهد شد و همه را وادار خواهد کرد که همانند حکومتیان بنویسند و از آنجای که دردنیای واقعی چنین چیزی داوطلبانه عملی نخواهد شد، حکومت به سانسور پناه خواهد برد و هر مطلبی را از زیر نظر و خواست خود عبور خواهد داد، بدینسان شرایط برای رشد افکار عمومی و خلاقیت‌ها در چنین جوامعی کشته خواهد شد. البته این جانیان خود نیز می‌دانند که وقتی در یک کشور سانسورچی وجود دارد، دیگر سخن گفتن از آزادی مطبوعات خنده دار است، از اینرو خود نیز اعتراف می‌کنند و می‌گویند: "

محدودیت‌های که در جامعه ما با ویژگی‌های که از نظر اعتقادی دارد قابل قبول و منطقی است ، ولی بدون شک چنین محدودیت‌های از دید مجامع بین المللی حقوق بشر که نگرشی دیگر به دین دارند سلب آزادی از مطبوعات محسوب می شود . " بنابراین خود نیز می دانند که ضابطه های که برای مطبوعات گذاشته اند ، هیچ ربطی به آزادی مطبوعات ندارد . و اگر نویسنده ای بخواهد تنها در چارچوبی که حکومت برایش تعیین کرده و نتواند از آن چیزی که سانسور به او اجازه می دهد فراتر رود، دیگر آزاد نیست . بی جهت نیست که جمهوری اسلامی با توجه به عمل کردش در ۳۱ سال حکومتش همیشه بر اساس ارزیابی و آمارهای سازمان های بین المللی در رده های آخر قرار داشته است . بطور نمونه براساس آمارسال ۲۰۰۹ در کنار کره شمالی و ترکمنستان و اریتره قرار گرفته است ، یعنی در رده ۱۷۴ . در همان چند ماهه اول پس از ۲۲ خرداد در سال گذشته ۳۵ خبرنگار دستگیر می شوند و همچنین بیش از ۴۰ روزنامه نگار مجبور به ترک کشور می گردند . همه اینها نشان می دهد که کلیت نظام جمهوری اسلامی در دوره حیاتش همیشه برای سرکوب مخالفین و از بین بردن آنها از هیچ اقدامی کوتاهی نکرده است . براسستی که از جنایتکاران جمهوری اسلامی نیز انتظار دیگری نباید داشت . و در جامعه استبدادی جمهوری اسلامی و قتی که از حکومتیان در وصف و حال آزادی مطبوعات می شنوی ، جز اینکه بگویی : " آهای آزادی چه جنایتها که بنام تو نمی کنند ! "

دوشنبه ۱۸ مرداد ۱۳۸۹